

چالش‌ها و موانع پرداخت مواجب قشون و تأثیر آن بر امنیت ولایت کرمانشاهان در دوره قاجار

محمد جواد مرادی نیا* مطلب مطلبی**

چکیده

از دوره صفویه، کرمانشاهان یکی از نواحی سرحدی ایران شمرده می‌شد و از آنجا که در مرز با عثمانی قرار داشت، از اهمیت زیادی برای دولت مرکزی برخوردار بود. از این رو، دولت مرکزی اقداماتی در جهت حفظ انتظام کرمانشاهان انجام داد. بازیگران و نقش‌آفرینان اصلی این انتظام در کرمانشاهان نیروی نظامی وابسته به ایلات و عشایر بود. در این میان پرداخت به موقع و منظم مواجب نیروهای نظامی موجب برقراری نظم و کارآمدی قشون بود. از آنجا که بخش زیادی از سپاهیان ایران از ایلات و عشایر بودند، در شرایط ثبات، تأخیر در پرداخت مواجب چندان چالشی برای حکومت مرکزی و ایالتی ایجاد نمی‌کرد؛ زیرا رؤسای فوج‌های نظامی همان رؤسای ایلات و طوایف بودند و ساختار اجتماعی ایلات اجازه اعتراض را به آن‌ها نمی‌داد؛ اما در دوره‌های بی‌ثباتی و شرایط ناپایدار سیاسی این موضوع به کلی صورت دیگری می‌یافت و تنها پرداخت منظم و به موقع مواجب، نیروهای نظامی را در دایره اطاعت نگه می‌داشت. با عنایت به این امر است که مقاله چالش‌های پرداخت مواجب قشون کرمانشاهان و نتایج برآمده از آن را به مثابه‌ی مسئله‌ی محوری تعریف کرده است. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر آن است اصول و قواعد منظم و یکسانی در پرداخت مواجب قشون وجود نداشت و نیز تفاوت معناداری بین مواجب افراد قشون و فرماندهان دیده می‌شد. با این وجود، از آنجا که فرماندهان همان حاکمان ایل بودند، تعلیق و تأخیر

* استادیار گروه تاریخ سازمان اسناد و کتابخانه ملی. ketabziba@yahoo.com
** نویسنده مسئول: دکتری تاریخ، کارشناس پژوهشکده اسناد، سازمان اسناد و کتابخانه ملی. m.motalebi59@gmail.com
[تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۱۷]

نپرداختن کامل موجب در دوران ثبات، اجازه اعتراض به افراد قشون نمی‌داد. اما این امر در شرایط ناپایدار سیاسی به شکل‌های مختلفی خود را نشان می‌داد. **واژگان کلیدی:** موجب، قشون، کرمانشاهان، قاجار، ایلات، امنیت.

مقدمه

کرمانشاهان همواره یکی از نواحی مهم سرحد غربی ایران بوده است. موقعیت جغرافیایی آن از شمال به کردستان اردلان، از شرق به همدان، از جنوب شرقی به لرستان، از جنوب به خوزستان و از غرب به عثمانی محدود بود که از زمان صفویه تا اواخر دوره قاجار تقریباً در منابع به صورت یکسان ذکر شده است (روزنامه فرهنگ، ۳۰ ذی‌القعدة سال ۱۳۰۲، سال هفتم، شماره ۳۲۴: ۲). این ولایت تا دهه دوم قرن سیزدهم هجری، همچون سایر والی‌نشینان و حاکم‌نشینان حوزه غربی ایران تحت‌الشعاع والیان اردلان قرار داشت (سندجی، ۱۷۰: ۱۳۶۶). این وضعیت با انتصاب محمدعلی میرزا به حکومت کرمانشاهان و سرحداری عراق از دهه دوم سده سیزدهم/نوزدهم صورت دیگری یافت. قرارگرفتن بخش زیادی از حوزه غربی و جنوب غربی ایران تحت قلمرو شاهزاده قاجار، کرمانشاهان را به‌عنوان مرکز نیروی سیاسی - نظامی غرب ایران درآورد. در طول این دوره، یکی از دغدغه‌های مهم حکمرانان کرمانشاهان برقراری امنیت و حفظ آن بود؛ چرا که شکنندگی و ناپایداری امنیت عمومی، نقش مستقیمی در مدت زمان حاکمیت آن‌ها داشت. امنیت جز با قوای نظامی تأمین نمی‌شد و برای این کار نیز تأمین مالی قوای نظامی و پرداخت به موقع موجب آن‌ها شرط لازم بود. به دلیل ساختار قشون کرمانشاهان در این برهه، پرداخت موجب چالش‌های زیادی داشت.

با عنایت به این امر، پرسش از چالش‌ها و موانع پرداخت موجب قشون کرمانشاهان در دوره قاجاریه را به مثابه‌ی مسأله‌ی اصلی مقاله‌ی پیش‌رو برگزیده‌ایم.^۱ پاسخ بدین پرسش مستلزم پاسخ به دو سؤال فرعی است. نخست آن‌که تشکیلات دیوانی چه

^۱ در پاسخ بدین پرسش اگرچه برخی منابع تاریخی، نظیر مجموعه کتاب *ایلات و طوایف کرمانشاهان* محمدعلی سلطانی یا یادداشت‌ها و خاطرات سردار مقتدر سنجایی مطالبی نگاشته‌اند، لیکن به طور مستقل پژوهشی منسجم با این عنوان انجام نشده است، در دیگر آثار هم به صورت گذرا و محدود در این زمینه مطالبی بیان شده است. در مورد پرداخت موجب قشون و چالش‌های آن، کمتر سخن رفته و یا دارای ادعاهای گسترده، بدون توجه به تفاوت ساختارهای ایلات و قبایل مختلف بوده است.

ضعف‌هایی در پرداخت مواجب قشون داشت؟ و دوم آن‌که عوامل رده بالای قشون، چه نقشی در پرداخت مواجب افراد تحت امر داشتند؟ فرضیه نگارنده بر آن است که ساختار ایلی و عشیره‌ای قشون کرمانشاهان در دوره مورد مطالعه و تسلطی که فرماندهان و سرکردگان ایلی بر افراد تحت امر داشتند از عوامل اصلی پرداخت نامنظم و نایکسان مواجب قشون بود. بر این اساس مواجب قشون مستقیماً به سربازها داده نمی‌شد و آن‌ها مواجب را از فرماندهان خویش دریافت می‌کردند. از این‌رو، همیشه دریافتی‌شان بسیار کم‌تر از میزان واقعی بود. از سوی دیگر، فرماندهان قشون کرمانشاهان با ساختار ایلی بر افراد تحت امر تسلط داشتند. از این‌رو، پس از افزوده شدن تسلط نظامی به قدرت شان مواجب را به نحو دلخواه مصرف می‌کردند. بدین ترتیب به ندرت به افراد عادی قشون مواجبی می‌رسید. آزمودن این فرضیه در گرو آن است که ابتدا شکل‌های پرداخت مواجب را در ایران بررسی نماییم و سپس، موانع و چالش‌های پرداخت مواجب قشون کرمانشاهان در دوره مورد مطالعه شناسایی شود.

نگاهی به تشکیلات دیوانی و اشکال پرداخت مواجب

در یکی دو دهه نخست پادشاهی فتحعلی‌شاه، تشکیلات دیوان‌سالاری بر چهار رکن استوار بود. در صدر این تشکیلات، وزیر اعظم یا صدراعظم جای داشت. سه رکن دیگر، عبارت بودند از: وزیر استیفای ممالک، وزیر دارالانشاء و وزیر عسکر. در سال ۱۲۲۱ ق میرزا هدایت‌الله تفرشی قمی ریاست وزارت عسکر را به عهده داشت. عمده وظایف وزیر عسکر در این برهه، مباشرت «امور لشگر و رسانیدن مواجب و علوفه سپاه مظفر و خواندن افراد سان در حضور خسرو گردون توان و تغییر و تبدیل غایب و متوفی» بود (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۴۳). حساب جمع و خرج مملکت با مستوفیان بود و مسئولیت هر ولایت با یک مستوفی بود. در رأس همه مستوفیان، مستوفی‌الممالک قرار داشت. در ارتباط با قشون نیز مستوفیان نقش مهمی بر عهده داشتند؛ «هر چه به اجرای قشون و مصرف لشگری می‌رسید یا مصارف متفرقه، باید جمعاً و خرجاً به مهر و اطلاع این طبقه» می‌رسید (نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۶۱: ۳۱۸). در دوره فتحعلی‌شاه و محمدشاه فقط قشون منظم مواجب و جیره غذایی داشتند و میزان آن بسته به درجه، سوابق، خدمات، انتساب خانوادگی و ایلی به شاه متفاوت بود. جیره هر سرباز در اواسط قرن سیزدهم دوازده تومان بود. از این مبلغ بیش از پنج، شش

تومان به دست سربازان نمی‌رسید، چه مواجب آن‌ها از دست چند نفر گذشته و هر یک به فراخور حال مقداری از آن برمی‌داشت و همان مقدار کم نیز در بیشتر مواقع عقب می‌افتاد (ورنتن، ۱۳۷۴: ۴۵). در دوره‌های بعد هم این وضعیت ادامه یافت، به طوری که اولین عامل بی‌نظمی قشون در فرمان سال ۱۲۷۱ق ناصرالدین شاه، مواجب و نحوه پرداخت آن بود: «مواجب قشون را کلاً از نظام و غیرنظام و توپخانه و سواره و پیاده رسیدگی کند و به دقت برساند که سرکرده و صاحب‌منصب و این و آن حیف و میل نکنند» (روزنامه وقایع اتفاقیه، پنج‌شنبه ۲۶ جمادی‌الثانی ۱۲۷۱، شماره ۲۱۵: ۲). اما این تمهیدات در طول دوره قاجاریه به نتیجه مطلوبی نینجامید. جدای از این مسائل، هر یک از ایالات و فوج‌ها با توجه به شرایط بومی و محلی با مشکلات عدیده دیگری در زمینه پرداخت مواجب دست به گریبان بودند.

پرداخت حقوق و مواجب سربازها و نظامیان کرمانشاهان به صورت فردی و مجزا نبود؛ بلکه مجموع مواجب سربازهای یک ایل به رئیس و صاحب‌منصب همان ایل تحویل داده می‌شد و او بود که مواجب را در بین سربازها تقسیم می‌کرد. طبیعی بود با چنین سازوکاری، تبعیض‌ها و اجحافات روی می‌داد. در طی این دوره، بارها سعی شد که اصلاحاتی در نحوه پرداخت مواجب قشون انجام پذیرد. در سال ۱۲۹۱ق تلاش شد مواجب قشون را بعد از آن به صاحب‌منصبان ایلی ندهند؛ بلکه سهم هر سرباز را مستقیماً به خود وی تحویل دهند. هدف شاه از اجرای این تصمیم «اطمینان از رسیدن مواجب به نوکر» بود. عمادالدوله، حاکم کرمانشاهان، در گزارش ارسالی به ناصرالدین شاه با پرداخت مستقیم مواجب به سربازها مخالفت کرده است و تداوم سیستم قبلی را خواستار شده است. وی در بیان دلایل خویش چنین نوشته است: «از ابتدای نوکری این طوایف تا حال موافق حکم صریح دیوان معمول این بوده است که مواجب محلی آن‌ها در دست همان صاحبان طوایف بود... یک‌دفعه نمی‌توان قواعد و رسوم پنجاه ساله را تغییر داد. دور نیست بعضی جهالت‌ها و هرزگی‌ها هم از آن‌ها صادر شود که لابد و ناچار نتوان اغماض کرد و خدای نخواستہ اسباب زحمتی فراهم بیاید. علاوه بر این، عرض این بنده درگاه از روی صداقت این است که این نوکر و عشایر کرمانشاه و لرستان چنان نیست که از برای این قلیل مواجب قبول نوکری را کرده باشند، اگر به اختیار آن‌ها باشد، با مضاعف این مواجب هم قبول نوکری نخواهند کرد. پاداری و نظم نوکری آن‌ها بسته به تسلط صاحب طایفه است، اگر صاحب طایفه مسلط و مقتدر

باشد، نوکر دیوان هم پادار و منظم است؛ و آلا، به مواجب سه تومان و چهار تومان هیچ یک از این نوکر دلبستگی بنوگری ندارند و صاحبان طوایف طوری مسلط هستند که اگر مواجب را هم دستی از صندوقخانه نظام در محضر لشکرنویسان بدهند می‌توانند دوباره از آن‌ها پس بگیرند» (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، آلبوم شماره ۴۸ بیوتات، در باب قشون، گزارش به ناصرالدین شاه، مورخ ۲۸ رمضان ۱۲۹۱). در واقع چنین هم بود؛ بنابراین، این تلاش هم به جایی نرسید. جدا از این امر، به نظر می‌رسد محل و نحوه پرداخت مواجب قشون کرمانشاهان با سایر نواحی ایران تفاوت‌هایی داشته است. مواجب قشون کرمانشاهان هر سه ماه یکبار پرداخت می‌شد. این مواجب را صاحب‌منصب با اطلاع حکومت و در محل پرداخت می‌کرد. دیگر این‌که «همه افواج و سواره این ولایت، محل شش ماهه در دست خودشان» بود و «غالباً همان شخص نوکر از مالیات ملزومی خود اخذ مواجب شش ماهه» می‌کرد و «مانند نوکر و قشون عراق و آذربایجان نیست که محل سه ماهه آن‌ها غالباً از جای دیگر یا شخص دیگر دریافت شود و قبض به سرباز داده شود» (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، آلبوم شماره ۲۳ بیوتات، گزارش عمادالدوله ۱۲۹۱: ۱۲).

به نظر می‌رسد تفاوت محل مواجب قشون کرمانشاهان با مناطقی همچون عراق و آذربایجان ناشی از آن بود که قشون و فوج‌های کرمانشاهان خاستگاه ایلی داشتند؛ در حالی که قشون نقاطی مانند عراق و آذربایجان بیشتر از مناطق شهری بودند. با توجه به این‌که بخشی از منابع عمده دولت از مالیات ایل‌ها تأمین می‌شد، رئیس ایل بخشی از مالیات مقرر را به عنوان مواجب فوج و نیروهای نظامی ایل نگه می‌داشت و پرداخت نمی‌کرد. از آن‌جا که ایل‌ها تلاش داشتند تا حد ممکن از زیر بار پرداخت مالیات شانه خالی کنند در بیشتر مواقع وصول مالیات آن‌ها به تأخیر می‌افتاد. این تأخیر در مواقع بحرانی ممکن بود به بیش از ده سال هم برسد. طبیعی است در چنین مواقعی مواجب قشون کرمانشاهان نیز با اشکال مواجه می‌شد.

با وجود این، وضع فوج‌های کرمانشاهان نسبت به نظامیانی که از دیگر ولایات مأمور کرمانشاهان می‌شدند مساعدتر بود؛ زیرا نظامیان وابسته به ایلات بخش زیادی از مواجب خود را از مالیات پرداختی ایل بر می‌داشتند. در مقابل فوج‌ها و نظامیانی که به این ولایت مأمور می‌شدند از چنین موقعیتی بهره‌مند نبودند و نرسیدن مرتب و منظم مواجب آن‌ها را در شرایط نامساعدتری قرار می‌داد. در سال ۱۲۹۰ق و ۱۲۹۱ق که

سواره قزوین مأمور کرمانشاهان شده بود؛ به دلیل نرسیدن منظم مواجب در وضعیت نامطلوب قرار گرفتند تا جایی که «کار آن‌ها به گدایی و اسب و اسلحه فروختن رسیده بود» (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، آلبوم شماره ۴۸ بیوتات، گزارش به ناصرالدین شاه، مورخ ۲۷ جمادی الاول ۱۲۹۱).

پرداخت حقوق کسانی که به جاهای دیگر مأمور می‌شدند بدین صورت بود که «از جانب وزارت جنگ از روز حرکت پرداخت می‌شد و لیکن خرج سفر به آن‌ها داده نمی‌شد» (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده ۲۴۰ - ۵۴۴، گزارش اداره محاسبات قشونی به وزارت مالیه، ۳ جدی ۱۳۳۶). این امر مشکلات عدیده‌ای را به وجود می‌آورد. در چنین مواقعی اردو به فکر تهیه سیورسات از قبل نبود و یا این‌که از مرکز هیچ گونه پشتیبانی مخصوصی برای تدارک سیورسات آن‌ها به عمل نمی‌آمد. برای جبران این نقیصه لشکریان مأمور به دنبال تهیه سیورسات از آبادی‌ها و شهرهای مسیر راه بودند و در واقع از این طریق سیورسات اردو را تأمین می‌کردند. در چنین مواقعی مردم نواحی سر راه تلاش می‌کردند از رویارویی با لشکریان بپرهیزند. این موضوع نقش زیادی در متروکه شدن روستاها داشت (گاردان، ۱۳۶۲: ۱۳۸). بدیهی است در چنین مواقعی اجحاف زیادی از جانب مأمورین نسبت به مردم عرض راه روی می‌داد و همیشه میزان دریافتی آن بیش از نیاز واقعی مأمورین بود. تا سال ۱۲۷۰ق نشانه‌های از تلاش دولتمردان برای رفع این وضع دیده نمی‌شود. در این سال ناصرالدین شاه در راستای تلاش برای اصلاح وضع قشون به حکام ولایات دستور داد: «منازل عرض راه را حساب کرده قیمت سیورسات قشون مأموره را بسنجند و وجه نقد از بابت مالیات آن ولایت بدهند که دیگر در منازل عرض راه در هیچ جا سیورسات مطالبه نمایند» (روزنامه وقایع اتفاقیه، پنج شنبه هشتم رجب، شماره ۱۲۷۰، ۱: ۱۶۶). با استناد به این گزارش روشن می‌شود که هدف اصلاح‌گران، حذف کامل سیورسات نبود؛ بلکه تلاش می‌شد این عمل را تحت ضابطه مشخصی درآورده و از زیاده‌خواهی مأمورین کاسته شود تلاش‌هایی که عملاً به جایی نرسید.

مشکلات پرداخت مواجب

پرداخت مواجب قشون از لحاظ مبلغ و زمان پرداخت وضعیت ثابتی نداشت. ممکن بود دریافتی افراد قشون در سال جدید نسبت به سال قبل از آن کمتر هم باشد. تأخیر

در پرداخت مواجب قشون یکی از موارد رایج عصر قاجار بود. افراد قشونی از سوار و سرباز برای دریافت به موقع مواجب و در واقع برای اعتراض به تأخیر پرداخت آن و یا کسر مواجب به اقدامات مختلفی متوسل می‌شدند. در ولایات این اقدام، حضور در اداره مالیه بود؛ چرا که این اداره را مسئول تأخیر و کسر مواجب خویش می‌دانستند که نمونه آن بارها در کرمانشاهان روی داد. اما در واقع اداره‌های مالیه محل هیچ‌گونه اجازه و اختیار مستقلی در این زمینه نداشتند و آن‌ها فقط مجری دستورهای اداره کل خزانهداری و وزارت مالیه بودند. نقش و وظیفه اداره مالیه در ارتباط با این جنبه از امور قشون آن بود که: «نماینده اداره مالیه در اداره قشون حضور به هم رسانیده و حقوق مأمورین را بعده حاضر با اطلاع رئیس قشون و رئیس محاسبات قشونی پرداخت کند» (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده ۲۴۰ - ۷۱۲۴ نامه وزارت جنگ به وزارت مالیه ۲۱ برج جدی ۱۳۳۳). در مواقعی که مشکلاتی از این قبیل، برای قشون کرمانشاهان به وجود می‌آمد و اقدامات و رایزنی دوایر و ادارات محل از عهده حل آن بر نمی‌آمد و یا تمایل به حل آن نداشتند، این امر در مرکز و با مذاکره بین وزارت جنگ و وزارت مالیه فیصله داده می‌شد و معمولاً نظرات وزارت جنگ نسبت به مالیه دارای ارجحیت و برش بیشتری بود (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده ۲۴۰ - ۷۱۲۴ نامه وزارت جنگ به وزارت مالیه ۲۱ برج جدی).

در یک مورد که تعویق پرداخت مواجب روی داده بود و مذاکرات با اولیای امور به نتیجه نرسید «قشون ساخلو کرمانشاهان بواسطه نرسیدن مقرری خودشان بشهرداری عثمانی رفته تحسن اختیار» کردند و کار به جایی رسید که سفیر کبیر عثمانی در ایران، برای پرداخت تمام و یا بخش عمده حقوق آن‌ها پا درمیانی نمود (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده ۲۴۰ - ۷۱۲۴، گزارش اداره تحریرات عثمانی به وزارت مالیه اول ذیحجه ۱۳۳۳). در این مورد و به واسطه «اهمیت کرمانشاهان» وزارت جنگ مستقیماً وارد شد؛ زیرا از دید وزارت جنگ «اختلال امور قشونی آنجا سزاوار» نبود و از وزارت مالیه خواست در صورت نداشتن وجهی برای پرداخت مطالبات معوقه قشون، وزارت مالیه مبلغ مورد نظر را به صورت جنسی «حواله فرمایند اداره مالیه آنجا تسعیر کرده و به آن‌ها بپردازد» (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده ۲۴۰ - ۷۱۲۴، نامه اداره محاسبات قشونی وزارت جنگ به وزارت مالیه، ۱۲ برج سرطان ۱۳۳۳). موقعیت سرحدی کرمانشاهان و نقش پر اهمیت آن در جوار عثمانی، چنین

امکانی برای قشون آن‌جا فراهم نموده بود که به خواسته خویش برسند. از این گزارش می‌توان به موقعیت اسفناک قشون در دریافت مواجب پی برد.

جدای از تعویق پرداخت مواجب، در هنگام پرداخت آن بین سربازان در دوره‌هایی تبعیض قائل می‌شدند (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده ۲۴۰ - ۷۱۲۴، گزارش اداره محاسبات قشونی به وزارت مالیه، ۱۲ سنبله ۱۳۳۳). در کنار این عوامل، بین دریافتی افراد عادی قشون با صاحب‌منصان تمایز و تفاوت آشکاری وجود داشت. در حالی‌که مواجب ۱۶۵ نفر، ۷۳۸ تومان بود که به طور متوسط دریافتی ماهیانه چهار تومان می‌شد (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده، پرونده ۲۴۰-۵۴۴ گزارش مفتش مالیه به خزانه داری کل). مواجب پنج نفر از ارکان اداره قشونی ۲۸۲ تومان بود که البته بین دریافتی این عده هم تفاوت فاحشی وجود داشت. در حالی‌که رئیس محاسبات ماهیانه ۱۰۰ تومان دریافتی داشت. شخصی با شغل طبابت ۸۶ تومان دریافت می‌نمود. محاسب ۴۶ تومان، ذخیره‌چی ۲۰ تومان و مفتش ۳۰ تومان دریافت می‌کردند (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده، پرونده ۲۴۰ - ۵۴۴، حقوقات یک‌ماهه برج عقرب اداره قشونی) با توجه به این گزارش روشن می‌گردد، مواجب رئیس محاسبات به تنهایی معادل ۲۵ نفر افراد قشون بوده است.

به نظر می‌رسد یکی از مسائل و مشکلات قشون از نظر خزانه‌داری کل چگونگی پرداخت و میزان مواجب آن‌ها بود. در این میان تعداد افراد قشون و مبلغ بودجه تخصیص داده شده به آن‌ها بیش از میزان واقع برآورد و گزارش می‌گردید (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده، پرونده ۲۴۰ - ۵۴۴، سواد مراسله وزارت جنگ، ۵ جدی ۱۳۳۶). تلاش‌هایی از جانب خزانه‌داری کل برای جلوگیری از این امر و نظارت بیشتر بر مبلغ حقوق پرداختی و تعداد واقعی قشون صورت گرفت. یکی از راهکارهایی که از جانب خزانه‌داری کل پیشنهاد شد، همکاری اداره مالیه، رئیس قشون و حکومت محلی در این کار بود. در گزارش خزانه‌داری کل به وزارت مالیه در این ارتباط چنین آمده است: «راجع به حقوق قشونی کرمانشاهان لازم است با اداره مالیه آنجا تعلیمات بدهید که با اطلاع و استحضار رئیس قشون و حکومت عده حاضرین خدمت و مأمورین آنجا را جزءاً و کلاً معلوم داشته هر قدر که متصدی خدمت دولت هستند و وجود آن‌ها ضرورت خواهد داشت» صورتی تهیه نموده و به مرکز ارسال نمایند (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده ۲۴۰ - ۵۴۴، گزارش اداره

خزانه‌داری کل به وزارت مالیه، ۸ برج ثور ۱۳۳۵). ترتیبی که وزارت مالیه برای پرداخت مواجب قشون در نظر داشت مورد موافقت اداره محاسبات قشونی قرار نگرفت و آن را خارج از روال معمول دانست و مدعی شد: «این ترتیب مخالف معمول مرکز و سایر ولایات است، اداره مالیه باید مطابق تصدیق رئیس قشون و رئیس محاسبات قشونی حقوق را در اداره قشونی بنفرات ساخلو پرداخته و دقت لازم و تفتیش در عده حاضری آن‌ها بعمل آورد. قدغن فرمائید اداره مالیه کرمانشاهان بر خلاف معمول سایر ولایات در تأدیه حقوق مأمورین تولید اشکال ننموده و اسباب زحمت فراهم ننمایند.» (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده ۲۴۰ - ۵۴۴، گزارش اداره محاسبات قشونی به وزارت مالیه، ۲ برج سرطان ۱۳۳۵). بی‌نظمی در پرداخت مواجب قشون و حیف و میل‌های آن موضوعی نبود که از دید اولیای امور پنهان بماند. این امر به ویژه در ولایات شدیدتر بود. دولت به منظور نظارت بر پرداخت مواجب قشون هر چند مدت یک‌بار شخصی را برای رسیدگی و نظارت بر مواجب نظامیان به ولایات و ایالات مأمور می‌نمود. در دوره حکمرانی عمادالدوله و در ذیقعد ۱۲۷۰ق عبدالکریم بیک غلام پیشخدمت از جانب دولت مرکزی «به جهت تحقیق رسیدگی مواجب سرباز و سواره کرمانشاهان مأمور بود به آن‌جا رسیده و نواب شاهزاده عمادالدوله حکمران کرمانشاهان، تمامی سران سپاه و صاحب منصبان و سررشته داران را حاضر نموده و در این باب مشغول تحقیق و غورسی بودند تا آنچه معلوم گردد و به عرض امنای دولت علیه برسانند» (روزنامه وقایع اتفاقیه، پنج‌شنبه غره ذیقعد ۱۲۷۰، شماره ۱۸۲: ۳). با وجود این، در اوضاع و احوال آن دوره، چنین تدابیر و راهکاری چندان جوابگوی مشکلات نبود. پرداخت مواجب قشون یکی از مسائل مورد مناقشه بین سربازان، وزارت جنگ و وزارت مالیه باقی ماند. از آن‌جا که پرداخت مواجب قشون صورت مشخص و مرتبی نداشت این امر همواره تولید اشکال می‌نمود.

در یک مورد «سربازان مأمور ساخلو کرمانشاهان» به دلیل تعویق پرداخت مواجب، در تلگرافخانه تحصن نمودند. خواسته آن‌ها از طریق تلگراف به وزارت جنگ رسید. در مذاکرات و نامه‌نگاری‌هایی که بین وزارت جنگ و وزارت مالیه صورت گرفت. وزارت جنگ خواهان آن شد که هر چه زودتر به وسیله رئیس مالیه کرمانشاهان، مواجب آن‌ها پرداخت شود؛ چراکه اگر اقدام «عاجلی» صورت نمی‌گرفت ممکن بود «سایر طبقات نظام مأمورین هم پراکنده و رشته انتظام آن صفحات به کلی گسیخته»

شود. بنابراین دستور داده شد «برای جلوگیری بعضی وقایع...حقوق عقب‌افتاده مأمورین را عاجلاً برسانند» (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره ۷۱۲۴-۲۴۰، نامه وزارت جنگ به وزارت مالیه ۱۶ برج سنبله ۱۳۳۲). پرداخت مواجب قشون در بیشتر مواقع با تأخیر و تعویق همراه بود؛ اما در این میان، سعی بر آن بود که مواجب قشون برخی از ایالات و ولایات صورت منظم‌تری داشته باشد؛ کرمانشاهان یکی از این ولایات بود.

از آن‌جا که کرمانشاهان در منطقه مرزی با عثمانی قرار داشت، از اهمیت زیادی برای دولت مرکزی برخوردار بود. ارکان دولت مرکزی تلاش داشتند اقداماتی را فراهم آورند که انتظام کرمانشاهان حفظ شود. یکی از این اقدامات پرداخت منظم مواجب قشون بود. در همین راستا سعی بر آن بود «حقوق مأمورین ساخلو مرتباً پرداخت و برای حکومت آنجا در حفظ انتظام آن حدود محظوراتی فراهم نشود.» البته با وجود چنین توصیه‌ها و دستورالعمل‌هایی، در مواردی حکمرانان محلی خودسرانه دست به کاهش حقوق مقرر قشون می‌زدند. همچنان‌که سردار معتضد، حکمران وقت کرمانشاهان اقدام به کاهش حقوق قشون نمود. اما پس از وی و در دوره حکمرانی امیر افخم با توصیه و سفارش وزارت جنگ سعی شد مبلغ کسر شده جبران گردد (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره ۷۱۲۴-۲۴۰، گزارش وزیر جنگ به وزیر مالیه مورخ ۲۴ جمل ۱۳۳۳).

روش پرداخت مواجب

نحوه پرداخت مواجب قشون به صورت متمرکز و سراسری نبود. بلکه افراد مأمور و مشغول در هر محل می‌بایست در همان ولایت مواجب آن‌ها پرداخت می‌شد. برای نمونه، هنگامی که در سال ۱۳۳۵ق شوکت‌الممالک در اراک مأمور و مشغول خدمت بود، به جای شاهزاده مظهدالدوله به ریاست قشون کرمانشاهان منصوب شد، مدت‌ها مواجب این دو نفر به تعویق افتاد. مظهدالدوله به این دلیل که از منصب عزل شده بود و شوکت‌الممالک به این دلیل که هنوز به کرمانشاهان وارد نشده بود.

مکاتبات زیادی بین وزارت جنگ و خزانه‌داری کل بر سر این موضوع رد و بدل شد؛ زیرا ادارات مالیه اراک و کرمانشاهان خود را از پرداخت مواجب مبرا و هر یک دیگری را مسئول پرداخت آن‌ها می‌دانستند (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی،

پرونده شماره ۵۴۴-۲۴۰، گزارش خزانه داری به وزارت مالیه ۲۸ برج سنبله ۱۳۳۵). حقوق مأمورین یک ولایت از تاریخ انتصاب بر عهده ولایت محل مأموریت بود و بر آن بودند که شوکت‌الممالک هم از تاریخ ۱۸ میزان ۱۳۳۶ق که به ریاست قشون کرمانشاهان منصوب شده، مشمول این قاعده است (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره ۵۴۴-۲۴۰، گزارش اداره محاسبات قشونی به وزارت مالیه ۳ برج جدی ۱۳۳۶). در مقابل اداره مالیه کرمانشاهان از تاریخ لغو حکم مظهل‌الدوله از پرداخت مواجب وی امتناع نمود (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره ۵۴۴-۲۴۰، گزارش محاسبات قشونی به وزارت مالیه ۲۸ سنبله ۱۳۳۵).

پرداخت مواجب افراد قشونی به این ترتیب بود که اداره مالیه ایالت کرمانشاهان، مبلغ مورد نظر را یک‌جا به اداره قشون تحویل می‌داد و در اداره قشونی، مواجب قشون پرداخت می‌شد. در یک مورد که رئیس مالیه کرمانشاهان پرداخت مواجب قشون را در اداره مالیه پیشنهاد کرد، مورد اعتراض اداره محاسبات قشون قرار گرفت؛ زیرا که چنین رویه‌ای برخلاف سایر ولایات بود که حقوق آن‌ها در اداره قشونی پرداخت می‌گردید (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره ۷۱۲۴-۲۴۰، نامه اداره محاسبات قشونی به وزارت مالیه ۲۳ جدی ۱۳۳۳).

پرداخت مواجب قشون زیر نظر هریک از ادارات مالیه و یا قشونی، صورت منظمی نداشت. گاه این پول از جانب مالیه به مصارف غیرقشونی می‌رسید و یا این‌که از حقوق افراد قشونی کسر می‌شد. در چنین مواقعی نمی‌شد از افراد قشون انتظار، انتظام و انجام امور محوله را داشت. برای نمونه، فوج زنگنه که «مأمور عربستان شده [بود] به واسطه نرسیدن حقوق با وجود اهمیت کار عربستان» مدت زیادی از حرکت بدان سمت طفره رفت (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره ۲۸۹۷۳-۲۴۰، ۱۶ جمادی الاول ۱۳۲۹).

بودجه قشون ساخلو این ولایت که در سال ۱۳۳۵ق در هیأت وزرا به تصویب رسید «مبلغ ۵۱ هزار و ۶۸۴ تومان و چهار هزار دینار نقد و مقدار ۸۹۹ خروار و ۳۶ من گندم و یک هزار و ۱۵۷ خروار و پنج من جو و دو هزار و ۸۱۰ خروار و ۵۰ من کاه» تعیین شد. این مبلغ شامل «حقوق و جیره و علیق و قیمت ملبوس زمستانی و صرف سوخت و غیره اداره قشونی کرمانشاهان...از تاریخ سان قشون در محل یعنی

کرمانشاهان» بود (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره ۵۴۴-۲۴۰، نامه وزارت مالیه ۱۹ برج سنبله ۱۳۳۵). حقوق نقدی و جنسی قشون کرمانشاهان می‌بایست از عایدات خود ولایت پرداخته شود (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره ۵۴۴-۲۴۰، گزارش عمادالدوله رئیس مالیه ولایتی کرمانشاهان به وزارت مالیه ۱۱ ربیع‌الاول ۱۳۳۶). از آن‌جا که بیشتر عایدات کرمانشاهان به دلیل شرایط و بافت اجتماعی - اقتصادی آن، مبتنی بر دامداری و عشایری بود، در نیمه دوم سال، حکومت محلی در پرداخت مخارج دچار اشکال جدی می‌شد.

این امر در زمانی که فوج‌های کرمانشاهان مسئول و مأمور جایی در خارج از ولایت می‌شدند، بیشتر خود را نشان می‌داد؛ زیرا آن‌ها در این مأموریت‌ها می‌بایست با تجهیزات و تدارکات لازم اعزام می‌شدند. از آن‌جا که وصول مالیات در کرمانشاهان در تابستان و اوایل پاییز بود، در خارج از این دو فصل، وصول مالیات یا وجهی از محل برای تجهیز آنان با مشکل روبه‌رو می‌شد. در چنین مواقعی معمولاً پیشنهاد می‌شد که از جانب حکومت مرکزی به رئیس هر یک از فوج‌ها، وجهی به عنوان تنخواه پرداخت شود تا به مصرف تجهیزات و تدارک فوج برسانند و این مبلغ در وقت دیگر از آن‌ها کسر گردد (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، آلبوم شماره ۴۸ بیوتات). اداره مالیه کرمانشاهان هم در سال ۱۳۳۱ ق مدعی بود که «عایدات آن‌جا کفاف پرداخت مخارج دوائر دولتی محل را نمی‌نماید و اداره مالیه نخواهد توانست بودجه قشونی کرمانشاهان را برساند» راهکار و پیشنهاد آن‌ها برای تأمین بودجه دوائر دولتی و در رأس آن‌ها قشون، آن بود که قشون ساخلو آن‌جا به نصف تعداد موجود کاهش یابد و در ادامه افزوده بود که در صورت پذیرش این پیشنهاد، بودجه قشون را مرتباً پرداخت نماید (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره ۵۴۴-۲۴۰، گزارش اداره محاسبات کل وزارت مالیه به وزارت جنگ ۲۴ برج سرطان ۱۲۹۷). در دوره‌های بی‌ثباتی و هرج و مرج، در مواردی قشون نه تنها اعاده‌کننده نظم نبود؛ بلکه خود نیز مزید بر بی‌ثباتی می‌شد. چنان‌که رؤسا و مأمورین قشونی کرمانشاهان در ۵ حوت ۱۳۳۴ ق به انبار اداره مالیه شهر رفتند و ۴۰۰ خروار جنس انبار آن‌جا را برده و فروختند (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره ۷۱۲۴-۲۴۰، گزارش اداره محاسبات قشونی به وزارت مالیه ۵ حوت ۱۳۳۴). در نامه اداره مالیه کرمانشاهان به وزارت مالیه تا حدودی علت این اقدام قشون مشخص می‌گردد «اداره قشونی آن‌جا به

عنوان تأخیر حقوق، مقدار ۴۰۰ خروار از جنس موجودی انبار شهر را جبراً از اداره مالیه برده و به قیمت خیلی نازلی به مصرف فروش رسانده بابت حقوق خود برداشت نموده‌اند» (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره ۷۱۲۴-۲۴۰، گزارش اداره مالیه کرمانشاهان به وزارت مالیه مورخ ۲۰ برج حوت ۱۳۳۴). رسم بر آن بود در زمان‌هایی که پول نقد در ولایت نبود، خود اداره مالیه جنس را تسعیر نماید و از این طریق حقوق قشون و سایر دوائر دولتی را پرداخت کند (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره ۵۴۴-۲۴۰، گزارش محاسبات قشونی به وزارت مالیه ۲ برج دلو ۱۳۳۷). در گزارش‌های موجود تعویق و تأخیر حقوق قشون از جانب اداره مالیه مورد تأیید قرار گرفته است؛ اما اقدام قشون در تصرف جنس‌های اداره مالیه را تخطئه نموده است (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره ۷۱۲۴-۲۴۰، گزارش اداره مالیه کرمانشاهان به وزارت مالیه مورخ ۲۰ برج حوت ۱۳۳۴). البته این اتفاق بدون مقدمه هم روی نداد. در گزارشی از ممتازالسلطنه که یکی از صاحب‌منصبان قشون بود، می‌توان به پیش زمینه تصرف انبار اداره مالیه از جانب قشون پی برد. این گزارش ابتدا به وضع نابسامان قشون اشاره دارد که «با نهایت فلاکت و بدبختی با حالت گرسنگی و برهنگی هفت ماه تمام روزگار به سربرده و مطابق مواعید و تلگرافات دولتی و تلگرافات خود حضرت اشرف حقوقات عقب افتاده آن‌ها را در ورود به مقر حکمرانی مرحمت خواهند فرمود... باعث تحمل آن‌ها شد و از طرفی باعتبار این مواعید از خارج قرض کرده زندگانی کردند... دو روز ایام عاشورا و تعطیلی عمومی پس از آن، کسالت حضرت اشرف، از طرفی عدم وصول وجوهات حواله دولت باعث آن شد که طلبکارها فشار آورده افراد نظام متحیراً راه چاره ندیده التجا به دیوانخانه آورده پانزده روز است متحصن و استدعای مرحمتی می‌نمایند. واقعاً حال نظام ترحم‌آمیز است؛ زیرا با حال پریشان در کوچه و بازار به تکدی مشغول و بلکه می‌خواهم عرض کنم که روز نیست از گرسنگی نمیرند. چنان‌چه عموم آقایان علما و اعیان و اشراف شهر شرحی حضور مبارک نوشته استدعای توجهی بحالت خاطر این قشون نموده‌اند». ادامه گزارش به این موضوع اشاره دارد که ادارات زیادی در شهر کرمانشاه حضور دارند و آن‌ها به هر پیاده، دوازده تومان و به سوار هیجده تومان می‌دهند و یکی یکی افراد قشون جذب آن‌ها می‌شوند و برای «حفظ شرافت دولتی...» علاجی نیست جز حقوقات عقب افتاده آن‌ها را از محل کنند حواله فرمایند؛ زیرا جنس

پارسال در انبار پوسیده و هذه‌السنه هم روی آن می‌رود و حال قشون هم معلوم و حوادث جاریه هم روز به روز زیادتر می‌شود». در پایان درخواست شده است که حواله آن‌ها پرداخته شود (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره ۷۱۲۴-۲۴۰، نامه ممتازالسلطنه به حکمران کرمانشاهان). ظاهراً پس از رد این درخواست است که قشون با توسل به زور اجناس انبار مالیه را تصرف می‌نماید.

به نظر می‌رسد حکومت ایالتی کرمانشاهان و قشون این ایالت بیشتر به هم نزدیک بوده و در مقابل اداره مالیه ایالتی که مستقل تر و مجزا از این دو می‌نمود، جبهه واحدی را تشکیل می‌دادند. در جریان تصرف ۴۰۰ خروار جنس از جانب قشون از انبار اداره مالیه، حکومت کرمانشاهان نیز از قشون حمایت نمود و حتی قبل از تصرف انبار از جانب قشون، حکومت کرمانشاهان از طریق نامه‌نگاری و گفتگو سعی نمود اداره مالیه را به فروش ۴۰۰ خروار جنس انبار مالیه راضی نماید که از فروش آن حقوق معوقه قشون را پرداخت نماید. البته قبل از این رویداد، ۲۰۰ خروار جنس انبار مالیه به توصیه حکومت کرمانشاهان فروخته شده بود و پول حاصل از آن به قشون پرداخت گردیده بود. در این نوبت نیز حکومت کرمانشاهان پیشقدم پیشنهاد و درخواست فروش ۴۰۰ خروار جنس انبار مالیه بود و «اکیداً تقاضا کرده ... که چهارصد خروار دیگر از جنس موجودی انبار را ... فروخته و در وجه حقوق عقب افتاده قشونی» پرداخت گردد. در همین راستا حکمی نیز صادر شد و مأمور برای اجرای آن به اداره مالیه رفت. پس از آن که وی بدون نتیجه مراجعت نمود، افراد قشون برای وادار کردن مأموران اداره مالیه به این اداره آمدند و تا نزدیک غروب تلاش آن‌ها با وجود ورود به اداره مالیه به جایی نرسید، تا این که در غروب آفتاب «مأمور حکومت حاضر شده و اظهار داشت که هرگاه حواله جنس را نمی‌دهید باید در دیوانخانه حاضر شده و توقیف شوید» (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره ۷۱۲۴-۲۴۰، گزارش میرزا صادق‌خان رئیس مالیه ایالتی کرمانشاهان به وزارت مالیه، ۱۱ رجب ۱۳۳۴). بخشی از بی‌نظمی قشون، مأمورین رده بالای اداری و نظامی دولت بودند که از راه‌های مختلف و به بهانه‌های گوناگون، مبالغی را به اسم مواجب و هزینه قشون دریافت می‌داشتند و در عمل یا چیزی از آن به دست سربازان نمی‌رسید و یا این که مبالغ ناچیزی از آن را دریافت می‌نمودند (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره ۵۴۴-۲۴۰، سواد مراسله وزارت جنگ ۵ جدی ۱۳۳۶). گزارش موجود بیان‌گر آن است که کارایی قشون

در مواقع بحرانی، در مقایسه با هزینه‌ها و مخارجی که برای دولت در پی داشت، چندان مفید و کارآمد نبوده است و کمتر تناسبی بین کارکرد و مخارج آن وجود داشت (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره ۲۵۴۳-۲۴۰، گزارش عمادالدوله رئیس مالیه کرمانشاهان به وزارت مالیه ۲۶ ربیع الثانی ۱۳۳۶).

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش بیان‌گر آن است که:

۱. پرداخت مواجب قشون اصول و قاعده منظم و یکدستی در کل ایران نداشت و نحوه پرداخت مواجب سپاهیان از یک ایالت به ایالت دیگر متفاوت بود؛ این امر نتیجه منشاء نیروهای نظامی بود. نیروهای که وابسته به ایلات و عشایر بودند هر چند به صورت ناقص، راحت‌تر مواجب خویش را دریافت می‌کردند، زیرا رئیس ایل بخشی از مالیات مقرر را به عنوان مواجب قشون نگه می‌داشت و از این بابت نسبت به نیروهای نظامی که منشاء شهری داشتند دارای امتیاز بودند. از آن‌جا که قشون کرمانشاهان هم دارای منشاء ایلی بود آن‌ها مواجب خویش را از سهم مالیات ایلی بر می‌داشتند؛ از سوی دیگر، فوج‌هایی که از دیگر ولایات مأمور کرمانشاهان می‌شدند به دلیل نداشتن پایگاه ایلی، از جنبه دریافت مواجب وضعیت بسیار بغرنج‌تری نسبت به قشون بومی داشت.
۲. تعلیق، تأخیر و تفاوت در مبلغ پرداختی افراد قشون جزء جدایی‌ناپذیر مواجب این دوره بود.
۳. با وجودی که مبلغ پرداختی مواجب آنقدر نبود که افراد را داوطلبانه وارد نیروی نظامی کند؛ اما وابستگی ایلی و سیادت رؤسای ایل، افراد وابسته به ایل را وارد قشون می‌کرد. بافت اجتماعی کرمانشاهان و سیادتی ایلات بر آن سبب شده بود که تمامی قشون این ولایت دارای منشاء ایلی باشند.
۴. در شرایط ناپایدار سیاسی مواجب قشون بهانه‌ای بود در دست رؤسای ایل که از پرداخت مالیات مقرر برای چند سال پیاپی امتناع نمایند و یا این‌که به بهانه تعلیق و تأخیر مواجب به ادارات مالیه محل هجوم برده و در صورت نبودن وجه نقد اجناس آن‌جا را تسعیر کرده و به جای مواجب خویش بر می‌داشتند.

^۱. قرار دادن نرخ برای چیزی.

فهرست منابع و مأخذ

- تورنتن، لین (۱۳۷۴). تصاویری از ایران (سفر کلنل ف. کلمباری به دربار شاه ایران) ۱۲۴۹ تا ۱۲۶۵ هجری قمری، ترجمه مینا نوایی، با مقدمه و زیرنظر علی بلوکباشی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- خاوری شیرازی، فضل‌الله بن عبدالنبی، (۱۳۸۰)، تاریخ ذوالقرنین، تصحیح و تحقیق ناصر افشارفر، ج ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سنجابی سردار مقتدر (۱۳۸۰). ایل سنجابی و مجاهدات ملی ایران، تحریر و تحشیه کریم سنجابی، تهران: انتشارات شیرازه.
- سنندجی شکرالله (فخرالکتاب) (۱۳۶۶). تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان، تصحیح حواشی و تعلیقات به انضمام پنج مقاله درباره قبایل کرد از حشمت‌الله طیبی، تهران: امیرکبیر.
- فلاندن، اوژن (۲۵۳۶). سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ترجمه حسین نور صادقی، چاپ سوم، تهران: اشراقی.
- گاردان، آلفردو (۱۳۶۲). مأموریت ژنرال گاردان در ایران، ترجمه عباس اقبال، تهران: نگاه.
- نظام السلطنه مافی، حسین قلی خان (۱۳۶۱). خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه مافی، باب اول خاطرات، به کوشش معصومه نظام مافی، منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران.

اسناد

- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره ۷۱۲۴-۲۴۰.
- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره ۵۴۴-۲۴۰.
- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره ۲۸۹۷۳-۲۴۰.
- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرونده شماره ۲۵۴۳-۲۴۰.

آلبوم بیوتات

- آلبوم شماره ۴۸ بیوتات.
- آلبوم شماره ۲۳ بیوتات.

روزنامه

- روزنامه فرهنگ، ۳۰ ذی‌القعدة سال ۱۳۰۲، سال هفتم، شماره ۳۲۴.
- روزنامه وقایع اتفاقیه، پنج شنبه غره ذیقعدة ۱۲۷۰، شماره ۱۸۲.
- روزنامه وقایع اتفاقیه، پنج شنبه هشتم رجب ۱۲۷۰، شماره ۱۶۶.
- روزنامه وقایع اتفاقیه، پنج شنبه ۲۶ جمادی الثانی ۱۲۷۱، شماره ۲۱۵.